



قیام جاودانه

(سخنی چند پیرامون «عاشورا» و آفاق آن)

محمد رضایی حکیمی



مؤسسه فرهنگی-تربیتی دلیما
مرکز حفظ و نشر آثار علامه محمد رضا حکیمی

قیام جاودانه

محمد رضا حکیمی

انتشارات دلیما

چاپ چهاردهم: بهار ۱۴۰۲

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹-۵۱۵-۳۹۷-۹۶۴-۹۷۸

تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۴۹۸۸ - ۳۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵)

دفتر مرکزی: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه ششم، واحد ۶۱۲ و ۶۱۳
(ارتباط با ما) www.dalilema.ir | Info@dalilema.ir (خرید آنلاین)

۲۵۱

www.ketab.ir

مراکز پخش

قم. خیابان معلم. مجتمع ناشران. طبقه ۳. واحد ۴۴ | تلفن: ۳۷۷۳۳۴۱۳ و ۳۷۷۴۴۹۸۸
قم. خیابان صفائیه. روبروی کوچه ۳۸. پلاک ۷۵۱ | تلفن: ۳۷۷۳۷۰۰۱ و ۳۷۷۳۷۰۱۱
تهران. خیابان انقلاب. خیابان فخر رازی. پلاک ۶۱ | تلفن: ۶۶۴۶۴۱۴۱
مشهد. چهارراه شهداء. کوچه شهید خوراکیان. مجتمع گنجینه کتاب. طبقه اول | تلفن: ۳۲۲۳۷۱۱۳-۵



انتشارات دلیما

www.dalilema.ir

مرکز نشر و پخش کتب معارف اهل بیت
۹ سال ناشر نمونه و برگزیده کشوری
با تولید بیش از ۱۰۰۰ عنوان کتاب

حکیمی، محمد رضا، ۱۳۱۴ -

قیام جاودانه / محمدرضا حکیمی (سخنی چند پیرامون عاشورا و آفاق آن).
قم: دلیما، ۱۳۸۲.

۲۳۲ ص.

ISBN: 978 - 964 - 397 - 515 - 9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس

۱. واقعه کربلا، ۶۱ ق - تأثیر. الف. عنوان. ب. عنوان: قیام جاودانه

(سخنی چند پیرامون عاشورا و آفاق آن).

۲۹۷ / ۹۵۳۲

BP ۴۱ / ۵ / ۸ ق ۹

م ۸۲ - ۱۶۲۸۲

کتابخانه ملی ایران

فهرست

سرآغاز

۱۱

عاشورا و جهان اسلام

- ۱۸ ۱- حرکت انقلابی عاشورا
- ۲۱ ۲- عاشورا، مشعل جاوید
- ۲۳ ۳- عاشورا و تأکیدهای پیامبر اکرم «ص»:
- ۲۳ (۱)- قرآن کریم
- (۲)- معلمان قرآن (امامت - پیروی از
- ۲۵ «انسان هادی»)
- ۲۷ (۳)- اجرای عدالت
- ۲۸ (۴)- طلب علم و دانش
- ۲۸ (۵)- نماز
- ۲۸ (۶)- امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۸ (۷)- رعایت همسایه، خدمت به مردم
- ۳۰ (۸)- حقوق الناس

- ۳۰ (۹)- طلب روزی حلال
- ۳۰ (۱۰)- داشتن اخلاق خوش
- ۳۱ (۱۱)- میانه روی در مصرف (ترک اسراف و ریخت و پاش)
- ۳۱ (۱۲)- محاسبه نفس
- ۳۳ (۱۳)- ترک غیبت و دروغ و تکبر
- ۳۴ (۱۴)- نپذیرفتن کار در صورت نداشتن مهارت و تخصص
- ۳۴ (۱۵)- ذکر خدا
- ۳۶ (۱۶)- دانستن قدر عمر
- ۳۶ (۱۷)- ادای امانت
- ۳۷ (۱۸)- مواسات در اموال
- ۳۸ (۱۹)- دفاع از حقوق محرومان
- ۴۰ (۲۰)- نماز شب
- ۴۳ (۲۱)- هلهای «عجیب» و ظهور آخرالزمان
- ۴۴ (۲۲)- عاشورا...
- ۴۵ توصیه
- ۴۹ ۴- شهادت، نفی است و اثبات (نه و آری)
- ۵۲ ۵- رسالت اصلی مجالس حسینی

عاشورا و انسان نو

- ۵۶ ۱- عاشورا و بقای اسلام
- ۶۳ ۲- «أشهد أن محمداً رسول الله».
- ۶۸ ۳- عاشورا، اتحاد بزرگ اسلامی، و سخنی از «دارالتقريب» مصر
- ۷۳ ۴- عاشورا و آفاق بشریت
- ۷۸ ۵- عاشورا، یک «ایست بزرگ»

عاشورا و عدالت...

- ۸۴ ۱- طرح موضوع عدالت در خطبه عاشورا
 ۸۸ ۲- عاشورا، منطق حیات و عدل
 ۸۹ ۳- مهدی «ع» و عاشورا...
 ۹۱ ۴- افسوسی بس گران...
 ۹۳ ۵- نجوا با عاشورا و سخنی در ابعاد...
 ۱۰۳ ۶- مسلمانان جهان و امام حسین «ع»

عاشورا، انقلابها و حکومتها

- ۱۱۲ ۱- شعار عاشورا
 ۱۱۴ ۲- عاشورا، فرزادگر جامعه انقلابی «توحید» و «عدل»
 ۱۱۸ ۳- واجبات انقلابی...
 ۱۲۲ ۴- واقعیتهای هشدارهایی عظیم
 ۱۲۴ ۵- غفلت از واقعیتهای سبب افول ارزشها
 ۱۳۳ ۶- ادای دین نسبت به عاشورا...

حکومت مسانخ

- ۱- آرمان حاکمیت عدالت
 ۱۳۸ (جامعه دینی و حکومت اسلامی)
 ۱۴۷ ۲- حکومت مسانخ
 ۱۴۹ ۳- مسلمانان و حکومت اسلامی
 ۱۵۱ ۴- عظمت یا فاجعه
 ۱۵۳ ۵- هشدار بزرگ
 ۱۵۴ ۶- معیار...

اسلام و مردم (دین مردمی)

- ۱۶۰ ۱- چرا انقلاب؟

- ۱۶۲ ۲- دین برای چه؟
 ۱۶۴ ۳- آموزشهای دینی، پیمانهای بزرگ
 ۱۶۶ ۴- عمل به پیمانها، تکلیفی سترگ

طاغوت زدایی، تنها راه رهایی

- ۱۶۸ ۱- شناخت اقسام طاغوت
 ۱۷۱ ۲- تکاثر و اتراف
 ۱۷۶ ۳- جنگ فقر و غنا
 ۱۸۴ ۴- نکته‌ای مهم
 ۱۸۷ ۵- کرامت انسانی

عدالت، معوی میماید فقر

- ۱۹۶ ۱- دو نشانه جامعه اسلامی
 ۱۹۹ ۲- اگر عدالت باشد فقر نیست
 ۲۰۳ ۳- فهم وارونه اسلام
 ۲۰۵ ۴- رحمت عام محمدی «ص»
 ۲۰۷ ۵- اصلاح فکر دینی
 ۲۰۸ ۶- نظام اقتصادی ناسالم، انحراف بزرگ
 ۲۱۱ ۷- مسئولیت بسیار سنگین حاکمیت اسلامی
 ۲۱۵ ۸- تکلیف شرعی درباره اظهار «حقایق دینی»
 ۲۲۰ ۹- معیار ولایت داشتن
 ۲۲۴ ۱۰- معیار مکتبی بودن
 ۲۲۷ ۱۱- حزب مستضعفان
 ۲۲۹ ۱۲- واژه «انقلاب» و مراحل کاربرد آن

سراغاز

یکی از نشانه‌های بسیار شترک رسالت‌های بزرگ، جداسازی «حق» از «باطل» است، در همه نمودهای حق و همه نمودهای باطل. هنگامی که بنا بر زمینه‌ها و علت‌هایی حق پوشیده گشت، و اموری به نام «حق» خود را عرضه داشت، و کسانی با بهره‌جویی از این نام پیش افتادند، همواره نیروی حق کنار می‌رود و جولان باطل می‌گسترده. و اگر حق از پایگاه عظیم و خورشیدی خویش فرو افکنده شد، و باطل میدان‌دار گشت، برای زندگی و انسان چه ارزشی برجای خواهد ماند؟

اینجاست که رسالت‌داران بزرگ، و خورشیدسازان قرون و اعصار آرام نمی‌گیرند، و برای زدودن سیاهیهای باطل به پا می‌خیزند، تا فروغ دامنگستر حق دوباره جان گیرد و بر پهنه‌های زیست انسانی بتابد، و خرده‌ها را روشن سازد، و جانها را زنده کند، و حیات حیوانی و

منحط را به حیات انسانی و متعالی بدل سازد.

از آغاز سلطنت اموی در دمشق، همه گونه زمینه سازی فراهم آمد - بجز آنچه امویان از آن پیش کرده بودند که در تاریخ معروف است - تا حق از پایگاه عظیم خود فرو افتد، و فروغ آن نابود گردد، و باطل میدان دار و حاکم باشد، جاهلیت بازگردد و «حزب اموی» پیروز شود. به خلافت رسیدن یزید (با کوششهای مزورانه، و تهدیدها و تطمیعیهای دربار اموی دمشق، و به شهادت رساندن بزرگان اسلام، و چه بسا دخالت مرموز ایادی دربار بیزانس، دشمنان قسم خورده اسلام و قرآن)، بزرگترین دلیل وقوع این فاجعه بزرگ بود، یعنی فرو افکندن حق و نشانیدن باطل به جای آن، محو اسلام قرآنی و بازگرداندن جاهلیت سفیانی...

در تاریخ بشر هیچگاه فاجعه ای به این عظمت رخ نداده بود، که کسی مانند یزید پسر معاویه، در جای کسی مانند پیامبر آخرالزمان و آورنده قرآن، حضرت محمد بن عبدالله «ص» بنشیند، و به نام خلیفه و جانشین پیامبر خدا و نماینده «نظام قرآنی» و مجری احکام قرآن بر مردم حکم راند، و سرنوشت اسلام و مسلمانان را تعیین کند؛ موجودی پست و بیمقدار، در جای بزرگترین انسان کامل سده ها و اعصار، اسیری در دست شیطان، در جای تلاوتگر آیات قرآن، و فریادگر توحید و عدل و احسان، نقطه سیاهی سراسر پستی و تباهی، در جای خورشید فروغگستر آفاق تعالی و آگاهی، خمیره ای از ضلال جاهلیت، در جای اشعه زلال هدایت... و روشن است که پیامد این سقوط بزرگ چیست: از میان رفتن همه آثار تربیت قرآنی و شیوع

یافتن همهٔ اوضاع منحط جاهلی.

و در چنان هنگامه‌ای - هنگامهٔ زوال ارزشها و افول آثار جهادها و شهادتها - چه جای زندگی و سکوت بود، در آن تباهستان تباهیزار حاکمیت یزیدی، و فجور و انحطاط و نیرنگ اشرافیت مشرک جاهلی... که «لَعِیْثٌ هَاشِمٌ بِالْمَلِكِ...» را در گوشها می‌خواندند...؟! و آیا آن چه کس بود که می‌بایست پرچم خورشید را برافرازد، و قله‌های کهکشان قرآنی را پرتوافشان سازد، آیا حسین «ع» زنده باشد و اسلام مرده؟ آیا پسر علی و فاطمه «ع» جان داشته باشد و قرآن به صورت جسمی بیجان درآمده؟ این چگونه ممکن است؟ عالم مصری، شیخ محمد محمد همدنی درست می‌گوید که فریادی از درون هماره حسین «ع» را مخاطب قرار می‌داد که «ای فرزند پیامبر، تو مرد میدان این مبارزه‌ای!».

و آن امام شهیدان خود چنین می‌گفت:

إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا.^۱

- من اکنون خوشبختی را در مرگ می‌بینم، و از زندگی با این ستمگران به تنگ آمده‌ام

و می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا، تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا

۱ - «تَحْفُ الْمَقُول» ص ۱۷۶ (چاپ بیروت).

أَيُّمَاسَا مِنْ فَضُولِ الْعُطَامِ، وَلَكِنْ يُتْرَقِ الْعَالَمَ مِنْ دِينِكَ، وَ
نُظْمَةُ الْإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكَ، وَيَأْتَمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ هِبَادِكَ...^۱

... خداوند! تو خود می دانی که قیام ما برای آن نیست که به حکومتی برسیم یا چیزی از مال و متاع دنیا به چنگ آوریم، بلکه ما می خواهیم راه روشن دین تو را به همگان نشان دهیم، و شهرها و آبادیها را از چنگ فساد رها سازیم، تا مظلومان ستمکش نجات یابند و...

پس رسالت جداسازی حق از باطل و عدل از ظلم به منظور پایداری حق و عدل و نابودی باطل و ظلم - همواره - رسالتی عظیم است، و عاشورای عظیم تجلی تام ادای این رسالت است. به هر اندازه فاجعه قرار گرفتن یزید در جای حضرت محمد «ص» بزرگ است، و ظلمات آفرین، و جاهلیت زنده کن، به همان اندازه حرکت بیداری آفرین عاشورا بزرگ است... عاشورا دست بلندی است که از افق شهادت کربلا برآمد، و تا قلعه خورشید فرارفت، و تا همواره تاریخ بر فراز ماند، و سیاهیهای جاهلیت از نو جان یافته را - در همه ابعاد الحاد و ظلم و فجور و ضلالت و بیخبری - از چهره خورشید اسلام و قرآن فرو شست. عاشورا فریادی است که برای همیشه خواب غفلت را از سرهای شورگستران آبادیها و افقها بیرون کرد. عاشورا برای همیشه حق را از باطل جدا ساخت، تا دیگر یزیدیان عصرها نتوانند، با پوشش اسلام، جاهلیت را زنده سازند، چه جاهلیت کهن و چه جاهلیت نو.